

بررسی و تحلیل روایات جمعیت غدیر خم

محمدجواد یآوری سرتختی*
مرتضی امامی**

چکیده

در نظام فکری و اعتقادی شیعه، مسئله جانشینی امام علی علیه السلام به عنوان امام جامعه با هدف هدایت دینی و سیاسی مردم، امری الهی و وصایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آن در روز غدیر خم امری قطعی و متواتر است. برخی مورخان در ثبت گزارش‌های جزئی واقعه غدیر اهتمام داشته و برخی دیگر آن را به صورت کلی نقل کرده‌اند. از جمله امور جزئی این واقعه، جمعیت حاضر در روز غدیر و یا جمعیت همراه پیامبر در سفر از مدینه به مکه است که مورخان و محدثان در آن اختلاف نظر دارند. از این روی، منابع روایی و تاریخی فریقین درباره تعداد جمعیت حاضر در این رویداد مهم و تاریخی اقوال و روایات متفاوتی را نقل کرده‌اند. این اختلاف نظر قابل بررسی است تا روشن شود کدام گزارش صحیح به نظر می‌رسد. اهمیت این موضوع به علت تبیین دقیق‌تر جزئیات مسئله، روشن شدن تواتر خبر و اعلان و ابلاغ آن است تا بعدها کسی منکر آن نشود. بنابراین در این نوشتار تلاش بر آن است تا با ملاحظه شواهد و قراین، با روش توصیفی و تحلیلی، جمعیت حاضر در غدیر خم از نگاه فریقین بررسی شود.

واژگان کلیدی

حجةالوداع، روایات، غدیر خم، امام علی، جمعیت، مدینه.

*. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه و دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.
javadyavari@yahoo.com
emami31772@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۵

مقدمه

رویداد تاریخی غدیرخیم در نظام فکری شیعه، بیانگر وجود نظام اعتقادی و سیاسی است. در این نظام فکری براساس شواهد تاریخی، امام علی علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سوی پروردگار معرفی شد و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لازم بود در روز غدیرخیم به ابلاغ آن اهتمام ورزد. این نظام فکری علاوه بر داشتن نص الهی بر قطعی بودن آن، دارای برهان عقلی (کلامی) بر وجود چنین امامی برای هدایت مردم تأکید می‌ورزد.^۱

مورخان، راویان و اندیشمندان شیعه نیز در طول تاریخ، روایت غدیرخیم را به صورت مکتوب و شفاهی نقل کرده‌اند تا اندیشه سیاسی شیعه بر محوریت امامت ائمه اطهار علیهم السلام در هدایت مسیر سیاسی شیعه ماندگار بماند و ممیز خط فکری آنان با دیگران باشد.

باتوجه به متواتر بودن روایت غدیرخیم، متکلمان، محدثان و مورخان شیعه و سنی از زوایای مختلفی از جمله زمان و مکان غدیر، علت انتخاب مکان غدیر، عبارت‌ها و کلماتی که در سخنرانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و جریان‌هایی که در غدیر اتفاق افتاده را مورد کاوش قرار داده‌اند. اما در این بین به تعداد جمعیت حاضر در غدیر کمتر توجه شده و بدون بررسی و تحلیل تاریخی در این زمینه، به نقل یک یا چند گزارش بسنده شده است. می‌توان گفت علت عدم پرداختن به این مسئله، اهمیت بیشتر اصل غدیرخیم بوده است که از این منظر، تعداد جمعیت در اصل آن دخالتی ندارد. تنها تلاش صورت گرفته در زمان حاضر، مقاله «جمعیت غدیر»^۲ نوشته سید جلال امام است که در آن، نگارنده روایت عیاشی که جمعیت ده‌هزار نفر - پنج‌هزار نفر از مدینه و پنج‌هزار نفر از مکه - را عنوان کرده، نزدیک به واقع می‌داند. اما پیش‌فرض پژوهش حاضر بر این است که روایات بیانگر کمی جمعیت، دارای ضعف سندی و محتوایی است؛ بنابراین باید روایات هفتاد یا نودهزار نفر درست باشد که علت آن، تصحیف بین عدد سبعین الف (هفتاد هزار) و تسعین الف (نود هزار) است.

عمده اهداف این تحقیق، روشن شدن جزئیات جمعیت حاضر در واقعه غدیرخیم، تلاش رسول خدا صلی الله علیه و آله بر اعلان و ابلاغ آن برای همگان و انتقال این موضوع الهی به آیندگان و نقش اتمام حجت ایشان با مردم عصر خویش است و این امر جز با وجود جمعیت گسترده امکان‌پذیر نیست؛ زیرا امر مهم امامت با مدیریت رسول خدا صلی الله علیه و آله و هنگام حضور خود ایشان سبب می‌شد تا حداقل در یک مقطع تاریخی

۱. همانند برهان قاعده لطف. در این قاعده گفته می‌شود: خداوند انسان را آفریده و بر خداوند لطف است که مخلوقاتش را هدایت کند. برای هدایت باید هادی واجد علم و عصمت باشد. همچنین می‌توان به قاعده تنزل تدریجی مراجعه کرد. در این قاعده، در صورت عدم وجود نبی باید به هم‌سطح نبی مراجعه کرد و بنابر شواهد تاریخی و احادیث، ائمه اطهار نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین افراد به رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند.

۲. ر. ک به: امام، «جمعیت غدیر»، مجله تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۶.

آن را بپذیرند؛ چنان که براء بن عازب و زید بن ارقم روایت غدیر را نقل کرده‌اند، اما در هنگام ورود امام علی علیه السلام به کوفه به انکار آن پرداختند. بنابراین در این نوشتار تلاش بر آن است تا بر اساس گزارش‌های موجود به بررسی ابعاد روایی و تاریخی جمعیت غدیرخم با توجه به منابع کهن به صورت تحلیلی و توصیفی پرداخته شود تا فواید جزئی این موضوع روشن گردد.

واقعه غدیرخم

رویداد تاریخی غدیرخم براساس گزارش منابع فریقین در روز یکشنبه،^۱ هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجرت^۲ رخ داده است. ابن‌اثیر به نقل یکی از شاهدان عینی غدیر، زمان این اجتماع بزرگ را بعد از نماز ظهر گزارش کرده است.

بنابر این گزارش، ابی‌الطفیل می‌گوید: در حجة‌الوداع همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم که هنگام ظهر دستور داد مکانی را برای نماز مهیا کنیم و خارها را جمع کنیم. بعد از آن، نماز خواندیم و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نماز، دست علی بن ابی‌طالب علیه السلام را گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه.»^۳ راویان نیز روایت از شدت گرمای آن روز دارند.^۴

یاقوت حموی درباره مکان غدیرخم در *معجم البلدان* می‌نویسد: «غدیر از غدر به معنای فریب گرفته شده است؛ زیرا غدیر جایی است که انسان از کنار آن عبور می‌کند و آبی در آنجا می‌بیند، اما سال بعد که می‌رود، خشک و بی‌آب می‌یابد و از تشنگی می‌میرد، و به این وسیله انسان را فریب می‌دهد.»^۵ وی همچنین «خم» را نام چاهی از بنی‌مره ذکر کرده است.^۶ نیز نقلی از زمخشری دارد

۱. الثامن عشر من ذی‌الحجة عامئذ و كان يوم الأحد بغدير خم تحت شجرة هنك، فبين فيها أشياء. و ذكر من فضل علي و أمانته و ... (ابن كثير، *البدایة و النهایة*، ج ۵، ص ۲۰۹)

۲. همان؛ صدوق، *الخصال*، ج ۲، ص ۳۹۵؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۳، ص ۲۷.

۳. تشهد أنا أقبلا مع رسول الله صلی الله علیه و آله من حجة الوداع، حتى إذا كان الظهر خرج رسول الله صلی الله علیه و آله فأمر بشجرات فشدن، و ألقى عليهنّ ثوب، ثم نادى: الصلاة. فخرجنا فصلينا، ثم قام فحمد الله تعالى و أثنى عليه، ثم قال: يا أيها الناس، أتعلمون أن الله عز و جل مولاي و أنا مولى المؤمنين، و أني أولى بكم من أنفسكم؟ يقول ذلك مرارا. قلنا: نعم، و هو أخذ بيدك يقول: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهمّ وال من والاه و عاد من عاداه ثلاث مرات. (ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۲۵۲)

۴. «و قد بلغنا غدیر خم في وقت لو طرح اللحم فيه على الأرض لانشوي.» (ابن طاووس، *اقبال الاعمال*، ص ۴۵۶)؛ «و قد علمت انه كان يوما شديد القیظ يشيب فيه الطفل ...» (خصیبی، *الهدایة الكبرى*، ص ۱۰۳)؛ «و ذلك في يوم ما اتى علينا يوم اشد حرا منه.» (مغربی، *شرح الاخبار*، ج ۱، ص ۹۹)

۵. و قال بعض أهل اللغة: الغدير فعيل من الغدر، و ذاك أن الإنسان یرّ به و فيه ماء فرما جاء ثانيا طمعا في ذلك الماء فإذا جاءه وجده يابسا فيموت عطشا. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۱۸۸)

۶. همان، ج ۲، ص ۳۹۰.

که «خم» نام مردی بوده است.^۱ وی همچنین درباره منطقه جغرافیایی غدیرخم می‌نویسد: «و غدیر خم: بین مکه و المدینه، بینه و بین الجحفة میلان»^۲ غدیر بین مکه و مدینه است و تا جحفه، دو مایل فاصله دارد.» طبرسی روایتی دارد که طبق آن، غدیر سه مایل قبل از جحفه واقع شده است.^۳ ابن جوزی فاصله غدیر تا جحفه را یک مایل گزارش کرده است.^۴ این در حالی است که سید بن طاووس می‌نویسد: مردم در جحفه توقف نمودند.^۵ محقق کتاب *الغارات* در معرفی جحفه می‌نویسد: «جحفه روستای بزرگی بوده که در مسیر مدینه به مکه واقع است و فاصله آن از مکه چهار منزل است. جحفه محل میقات اهل مصر و شام است، اگر به مدینه نروند. فاصله جحفه تا مدینه شش منزل، و فاصله جحفه تا غدیر دو مایل است.»^۶ براساس مشاهدات اخیر و بازدید از مکان غدیر روشن شده است که فاصله مکه تا جحفه با جاده کنونی حدود ۱۸۰ کیلومتر است.^۷

نکته پایانی در این بخش اینکه، چرا پیامبر اکرم ﷺ غدیر را انتخاب نمود. در پاسخ این سؤال دو احتمال وجود دارد: احتمال اول اینکه، پیامبر ﷺ از سوی خداوند مأمور بود در اینجا رسالت خود را ابلاغ نمایند؛ به عبارت دیگر، این مکان از سوی خداوند انتخاب شده است. احتمال دوم آنکه، غدیر، محل تقسیم راه‌ها و به اصطلاح «مفترق الطرق» بوده و مسافران هر منطقه‌ای از اینجا راه خود را جدا نموده و به شهر خود می‌رفتند.^۸

مقدمات آخرین سفر

قبل از رسیدگی به روایات تعداد جمعیت غدیرخم، پرداختن به نکاتی مهم درباره مقدمات آخرین سفر

۱. همان.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۸۸.

۳. فرحل فلما بلغ غدیر خم قبل الجحفة بثلاثة اميال. (طبرسی، *الاحتجاج*، ص ۵۸)

۴. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱، ص ۱۴۶.

۵. فخرج رسول الله ﷺ حتى نزل الجحفة فلما نزل القوم و أخذوا منازلهم أتاه جبرئیل ﷺ. (ابن طاووس، *اقبال الاعمال*، ج ۱، ص ۴۵۵)

۶. الجحفة بالضم ثم السكون و الفاء، كانت قرية كبيرة ذات منبر على طريق المدينة، من مکه على اربع مراحل و هي ميقات اهل مصر و الشام، ان لم يروا على المدينة فان مروا بالمدينة فميقاتهم ذوالحليفة و كان اسمها مهيعة و انما سميت الجحفة لان السيل اجتنها و حمل اهلها في بعض الاعوام و هي الان خراب، و بينها و بين ساحل الجار نحو ثلاث مراحل و بينها و بين اقرن موضع من البحر ستة اميال، و بينها و بين المدينة ست مراحل و بينها و بين غدیر خم میلان. (تقفی کوفی، *الغارات*، ج ۲، پاورقی ص ۵۰۷)

۷. برای مشاهده متن کامل گزارش بازدید از منطقه غدیر ر.ک به: فلاح‌زاده، «گزارشی مختصر از وضعیت کنونی محل غدیر»، *فصلنامه علوم حدیث*، سال سوم، ش ۷، ص ۲۳۲.

۸. مفید، *الارشاد*، ج ۱، ص ۱۷۵.

پیامبر اکرم ﷺ اهمیت دارد. باور شیعیان براساس شواهد تاریخی و روایی بر آن است که «امامت» ادامه راه رسالت پیامبر اکرم ﷺ است. این باور دینی ریشه در استدلال عقلی و نقلی دارد؛ چنان که شیخ مفید، از متکلمان برجسته جهان تشیع در این باره می‌نویسد: «امامت یکی از مسائل اساسی و ضروری شیعه به‌شمار می‌رود.»^۱ ائمه اطهار ﷺ قائم‌مقام انبیا در تنفیذ احکام و اقامه حدود و حفظ شریعت و مربی مردم هستند. آنها همانند انبیا، معصوم هستند.^۲ اجرای حدود الهی بر عهده سلطان اسلام است که از جانب خدای متعال نصب شده و عبارتند از امامان هدایت‌گر از آل محمد ﷺ.^۳ با این تعاریف از مقام امامت، امام ﷺ نه تنها رئیس اداری، قضایی و نظامی امت است، بلکه معلم و مربی مردم در امور تربیتی نیز می‌باشد.

پیامبر اکرم ﷺ در آخرین سفر مأموریت داشت رسالت خود را براساس وحی الهی به انجام رساند. انجام این کار مهم نیز نیاز به فراهم شدن مقدماتی داشت که مهم‌ترین آنها، حضور جمعیت برای اعلام این امر خطیر بود. در صورت نبودن جمعیت قابل توجه، بیان مسئله مهم امامت در مکان غیر از اهمیتی برخوردار نیست؛ زیرا رسول اکرم ﷺ می‌توانست همین امر مهم را در مدینه یا مکه نیز با حضور برخی صحابی انجام دهد و حجت را بر خواص تمام کند. اما سؤال این است که آیا حجت بر دیگران نیز تمام می‌شود؟ آیا مردم که در دیگر امور سخنان پیامبر ﷺ را زمین گذاشته و عمل نکردند، به سخنان برخی خواص عمل می‌کردند؟

به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت موضوع باید به این امر پرداخت که پیامبر اکرم ﷺ نیز تلاش داشتند امر اعلام ولایت امام علی ﷺ را علنی کنند تا حجت بر مردم، از عوام و خواص تمام باشد. بر این اساس، به اقداماتی همت گماشتند؛ از جمله این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تشکیل قدرت سیاسی اسلام

با توجه به کثرت مشرکان در جزیره‌العرب، وضعیت فکری بیشتر قبایل عرب بر محور اندیشه‌های غلط جاهلی، معیارهای قومی، نژاد و بستگی خونی و نظام سیاسی مبتنی بر سن و شیخوخیت بود. در میان این طوایف، طیف قریش در محدوده مکه با اعمال این اندیشه موجب گمراهی بیشتر مردم می‌شد. در این دوران، جریان شرک به‌دنبال توسعه منافع و منابع انسانی و مالی بود. آنان از شمال و جنوب و شرق و غرب جزیره‌العرب به ارتباطات تجاری و سیاسی می‌پرداختند. در این روند، طوایف

۱. همو، المقنعه، ص ۳۲؛ همو، اوائل المقالات، ص ۶۵.

۲. همان.

۳. همو، المقنعه، ص ۸۱۰.

مسیر خود را به همراهی فرا می‌خواندند و هرکس همکاری می‌کرد، از عنایات آنان برخوردار می‌شد و در غیر این صورت، حق ورود به مکه و یا زیارت خانه خدا را پیدا نمی‌کرد.

با ظهور اسلام بر محوریت توحید، رهبری و سرپرستی مردم توسط انبیا و قوانین الهی، رفتار مشرکان با اسلام و رسول خدا ﷺ متفاوت گردید. مشرکان با توجه به سروری‌ای که پیدا کرده بودند، توانستند قبل از اسلام در مقابل تمامی جریان‌های فکری و سیاسی اقتدار خود را نشان دهند. اگرچه در جزیره‌العرب ادیان الهی همانند حنفا، یهود و مسیحیت وجود داشت که به توحید، نبوت و معاد اعتقاد داشتند، اما چون متولی اقامه حدود الهی در میان آنان نبود و به عبارت دیگر کسی توان تشکیل حکومت و قدرت سیاسی براساس دین خدا را نداشت، مشرکان توانسته بودند بر منطقه تسلط پیدا کنند. با ورود دین اسلام که ماهیت آن مبتنی بر توحید، نبوت و معاد بود، رفتار قریش با رسول خدا ﷺ متفاوت شد. علت عمده این امر، فهم هدف اسلام و پیامبر ﷺ بود؛ یعنی آنان می‌دانستند عمده تلاش رسول خدا ﷺ تشکیل حکومت دینی برای اجرای حدود الهی و در نتیجه، تبیین نظام سیاسی اسلام و کوتاه شدن دست مشرکان از منافع دنیوی خواهد بود؛ چنان که وقتی رسول خدا ﷺ بعد از بازگشت از طائف، هنگامی که قبیلہ بنی‌عمر بن صعصعه را به اسلام دعوت می‌کرد، مردی از ایشان به نام بیحرة بن فراس گفت: به خدا قسم که اگر من این جوان را از دست قریش بگیرم، با نیروی وی عرب را می‌خورم. سپس به رسول خدا ﷺ گفت: اگر ما تو را در این امر پیروی کردیم و آنگاه به یاری خدا پیروز شدی، می‌شود پس از تو این کار (جانشینی) به‌دست ما باشد؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «اختیار این امر به‌دست خداست و آن را هر کجا که بخواهد، قرار می‌دهد.» بیحرة گفت: پس ما در مقابل عرب جان‌نثار تو باشیم و آنگاه که خدا پیروزیت داد، کار به‌دست دیگران افتد؟ ما را نیازی به پذیرش این دعوت نیست.^۱

تا زمانی که سروری با مشرکان، به‌ویژه قریش بود، مردم از ترس مشرکان کمتر به اسلام گرایش پیدا می‌کردند؛ اما بعد از فتح مکه، با ریخته شدن ترس مردم و حاکمیت قوانین الهی، گرایش مردم به اسلام و روانه شدن به‌سوی مدینه افزایش پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که تمامی مناطق جزیره‌العرب به اسلام گرایش پیدا کردند. بنابراین با توجه به تشکیل قدرت سیاسی اسلام به محوریت رسول خدا ﷺ، موجبات خرسندی عامه و فقرای عرب فراهم شد و جمعیت مدینه نیز با مهاجرت مردم از مکه و اطراف مدینه به آنجا، افزایش یافت. مؤید این سخن، حضور قبایل مختلف و نمایندگان آنان در مدینه، در محضر رسول خدا ﷺ است؛ درحالی‌که قبل از فتح مکه، جریان حضور وفود در مدینه ثبت نشده است. به‌عنوان نمونه می‌توان به ورود طایفه نخع اشاره کرد. بنابر گزارش ابن‌سعد، نمایندگان نخع آخرین

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۵۰.

گروهی بودند که در نیمه محرم سال یازدهم هجری با سرپرستی زرارۀ بن عمرو به حضور رسول خدا ﷺ در مدینه رسیدند و در دارالضیافه ساکن شدند. آنان دویست نفر بودند که پیش‌تر با معاذ بن جبل در یمن بیعت کرده و مسلمان شده بودند.^۱

۲. جمعیت حاضر در آخرین جهاد

سپاه پیامبر اکرم ﷺ در مدینه، اگرچه در آغاز حکومت اسلامی از جمعیت کمی برخوردار بود، اما رفته‌رفته با گسترش اسلام و فتح مکه، جمعیت حاضر در سپاه نیز گسترش پیدا می‌کرد؛ چنان‌که در جریان فتح مکه ده‌هزار نفر^۲ و طبق نقل دیگری دوازده‌هزار نفر^۳ از مسلمانان همراه پیامبر ﷺ بودند. آخرین غزوه‌ای که در زمان حیات رسول خدا ﷺ روی داد، غزوه تبوک بود که در ماه رجب سال نهم هجری روی داد. این سپاه همانند دیگر جهادها از مردمان مدینه و طوایف اطراف تشکیل می‌شد. کمترین رقمی که برای جمعیت سپاه اسلام در این غزوه ذکر کرده‌اند، سی‌هزار نفر است؛^۴ و گرنه آمار سپاه اسلام را هفتاد هزار^۵ و یک‌صد هزار^۶ بدون حساب حاضرین در شهر مدینه نیز نقل کرده‌اند. نکته قابل‌توجه در این بخش، عدم نیاز به حضور کودکان، نوجوان و زنان در جنگ‌هاست. حضور چند بچه یا تعدادی زن در برخی جنگ‌ها به معنای همراهی تمامی زنان و فرزندان در جنگ نیست؛ چنان‌که بلاذری در *انساب الاشراف* در جریان جنگ تبوک، به عدم حضور کودکان و زنان در این جنگ اشاره دارد.^۷ بنابراین نباید وضعیت غدیر خم را همانند جنگ در نظر گرفت. همچنین می‌توان گفت بعد از فتح مکه، امکان حضور جمعیت مکه و مناطق فتح‌شده برای سکونت در مدینه و اطراف آن خارج از ذهن نیست.

از جنگ تبوک تا حجة‌الوداع اندکی بیش از یک سال می‌گذرد و طی این مدت، نمایندگان قبایل

۱. ابن سعد، *الطبقات الكبرى*، ج ۱، ص ۲۶۰؛ طبری، *تاریخ الامم والملوک*، ج ۳، ص ۲۴۰؛ نویری، *نهاية الأرب فی فنون الأدب*، ج ۱۸، ص ۱۰۸.

۲. فکان المسلمون فی غزوة الفتح ما بین العشرة آلاف و الاثني عشر ألفا علی خلاف بین أهل السیر. (مقریزی، *امتاع الاسماع*، ج ۸، ص ۳۸۵) ابن خلدون، *دیوان المبتدأ والخبر*، ج ۲، ص ۴۵۸؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۲، ص ۳۲۶.

۳. ذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۲، ص ۵۲۹.

۴. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۳۶۸؛ مقدسی، *البدء و التاریخ*، ج ۴، ص ۲۳۹؛ مسعودی، *التنبيه و الاشراف*، ص ۲۳۵؛ ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری*، ج ۸، ص ۸۷؛ «خرجنا مع رسول الله ﷺ إلى غزوة تبوک زیادة علی ثلاثین ألفا.»

۵. عینی، *عمدة القاری*، ج ۱۸، ص ۴۵؛ از ابوزرعہ رازی.

۶. ابن خلدون، *دیوان المبتدأ والخبر*، ج ۱، ص ۲۰۴.

۷. بلاذری، *الانساب الاشراف*، ج ۲، ص ۹۵.

متعددی نزد پیامبر آمده، اسلام را پذیرفته و اعلام وفاداری کردند؛ از این رو باید جمعیت این قبایل را نیز بر آمار جمعیت مسلمانان افزود. اکنون با توجه شواهد و قرائن می‌توان گفت وقتی پیامبر ﷺ در سال نهم هجری می‌تواند سی یا هفتاد هزار نفر مرد جنگی را از مدینه و اطراف آن برای شرکت در جنگ، بسیج کند، با اینکه در جنگ خطر کشته، اسیر و زخمی شدن نیز وجود داشته، چرا یک سال بعد (که قدرت پیامبر ﷺ بیشتر شده و جمعیت مسلمانان نیز با سرعت شگفت‌آوری افزایش یافته و قبایل متعددی به اسلام روی آورده‌اند و این بار، زنان و کودکان و نوجوانان و افراد کهن سال نیز شرکت دارند، و نیز این سفر یک سفر پرجاذبه عبادی و معنوی است و هیچ خطری هم در آن کسی را تهدید نمی‌کند) پیامبر ﷺ نتواند هفتاد هزار نفر را در جریان حجة الوداع همراه داشته باشد؟ نیز قابل ذکر است که هیچ مانع بازدارنده‌ای هم وجود نداشته تا از حضور مسلمانان در حجة الوداع جلوگیری کند.

۳. فراخوانی مردم به حجة الوداع

رسول خدا ﷺ پیش از آغاز سفر حج در سال دهم هجری، نامه‌ها و نمایندگانی به اقصی نقاط بلاد اسلامی فرستادند و از تمام مسلمانان خواستند تا هر کس توان شرکت در مراسم حج را دارد، در این مراسم باشکوه شرکت کند. این فراخوان عمومی موجب شد جمع زیادی از مردم مسلمان از نقاط مختلف بلاد اسلامی خود را به مدینه و یا مکه برسانند؛ سفری که حتی رسول خدا ﷺ خانواده خویش را نیز همراه خود برد.^۱ امام علی علیه السلام نیز از این مأموریت مستثنا نبود؛ زیرا ایشان به امر رسول خدا ﷺ برای هدایت مردم یمن به آنجا سفر کرده بود^۲ و با انجام مأموریت، خود را به مکه رساند و حج بجا آورد.^۳

نیز برخی منابع گزارش دعوت رسول خدا ﷺ از مردم برای حضور در این سفر را آورده‌اند؛ چنان که کلینی به نقل از امام صادق علیه السلام می‌نویسد: رسول خدا ﷺ از آخرین حج سخن گفت و به هر کس از کسانی که تا آن روز اسلام را پذیرفته بودند، نامه نوشت و آنان را از این امر باخبر ساخت تا هر کس توان انجام حج را دارد، در این سفر شرکت کند. در پی اعلام پیامبر ﷺ مردم روی آوردند تا مراسم حج را با حضور ایشان برگزار کنند.^۴

۱. ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۲، ص ۱۳۱؛ *مقریزی، امتاع الاسماع*، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲. مفید، *الارشاد*، ج ۱، ص ۱۷۱؛ طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۳، ص ۱۳۲.

۳. همان، ص ۱۴۸.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۴، ص ۲۴۹؛ «ذکر رسول الله الحجّ، فکتب الی من بلغه کتابه، فمن دخل الاسلام، ان رسول الله یرد الحجّ، یؤذنه بذلک لیحجّ من أطاق الحجّ، فأقبل الناس»؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲۱، ص ۳۹۶؛ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۱، ص ۲۲۴.

شیخ مفید در الارشاد می‌نویسد:

رسول خدا ﷺ اراده بجای آوردن حج و انجام آنچه خدای تعالی بر او فرض کرده بود را نمود، و برای حج در میان مردم اعلام فرمود، و همگی را به حج دعوت کرد، و این دعوت به دور دست‌ترین بلاد رسید. پس مردم آماده رفتن به حج شدند و از اطراف و حوالی و نزدیکی‌های مدینه مردم زیادی به مدینه آمدند و خود را مهیای حج در رکاب آن بزرگوار کردند.^۱

شایان ذکر اینکه، با توجه به این فراخوانی، باید جمعیت قابل توجهی از شهر مدینه و اطراف آن در این سفر حضور داشته باشند. برخی از منابع فریقین نیز به تبع این فراخوانی خروج جمعیت به همراه رسول خدا ﷺ را به گونه‌های مختلف نقل کرده‌اند؛ برخی شمار آنان را هفتاد هزار نفر،^۲ عده‌ای نود هزار نفر،^۳ برخی ۱۱۴ هزار نفر دانسته^۴ و برخی نیز تعداد ۱۲۰ و ۱۲۴ هزار و بیشتر را آورده‌اند.^۵ نیز می‌توان گفت یکی از دلایل نقل جمعیت زیاد حضار واقعه غدیر از سوی مورخان، نقش وضعیت قومی و قبیله‌ای جزیره‌العرب است که عمدتاً یک‌جا نشین بوده و علاوه بر آن، قدرت سیاسی رسول خدا ﷺ بر جزیره‌العرب با دعوت مردم به فطرت و اخلاق، باعث رشد فزاینده جمعیت شهری مدینه گشته بود.

۴. حضور زنان، کودکان و کهن سالان

نکته شایان ذکر در مقام اثبات کثرت جمعیت خارج شده از مدینه جهت حضور در حجة‌الوداع اینکه، علاوه بر تعداد مردان، سه گروه دیگر از مردم جامعه آن روز نیز در آن مراسم حضور فعال داشتند که عبارت‌اند از زنان، کودکان و نوجوانان، و افراد کهن سال. پس از توصیه رسول خدا ﷺ به شرکت مردم در این مراسم، شدت اشتیاق برای شرکت در این مراسم به قدری بود که کودکان و نوجوانان، افراد کهن سال و زنان، حتی برخی از زنان باردار در این مراسم معنوی شرکت کردند؛ سفری که حتی رسول خدا ﷺ نیز خانواده خویش را به همراه برد.^۶ آنان بعد از شرکت در حج، در مکان غدیر با

۱. مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۷۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۳۸۴ - ۳۸۳.

۲. همان، ج ۳۷، ص ۲۰۲؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۵۳؛ عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۷۳؛ حلبی، السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۳۰۸.

۳. همان؛ امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۹.

۴. نووی، المجموع، ج ۷، ص ۱۰۳؛ امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۹.

۵. همان، ص ۹ و ۲۹۶؛ حلبی، السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۳۰۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۵۰.

۶. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۳۱؛ مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۲، ص ۱۰۳.

ولایت امام علی علیه السلام بیعت کردند. اسماء بنت عمیس، همسر ابوبکر از جمله زنان بارداری بود که در این سفر حضور داشت و در ذوالحلیفه، وضع حمل کرده و محمد بن ابوبکر را به دنیا آورد.^۱ ابوالطفیل عامر بن وائله در جنگ احد متولد شده، و در حجة الوداع هشت ساله بود.^۲ پس با این وضعیت، چگونه ممکن است تعداد جمعیت حاضر در غدیر کم باشد؟

۵. اتمام حجت، ابلاغ و اثبات ولایت

چنان که از مطالب پیش گفته روشن گردید، روایت واقعه غدیر خم به عنوان بستر معرفی امامت برای تبیین نظام سیاسی شیعه با ولایت امام علی علیه السلام و یازده امام از نسل او، خبری متواتر است. در این جریان، مردم حاضر در غدیر بر ولایت امام علی علیه السلام بیعت کرده و به ایشان تبریک گفتند. بنابراین می توان گفت با قطعی بودن خبر ولایت، حضور جمعیت قابل توجه در غدیر خم از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا بر پایه براهین عقلی و نقلی، غدیر اتمام حجت و اعلام ولایت است؛ یعنی در زمانی که نیاز به شهادت این افراد بر امر ولایت است، شهرت خبر و اقرار این جمعیت، احقاق حق امام علی علیه السلام و دیگر امامان را فراهم می کرد و هدف از اعلان و انتشار حدیث این بود که بعدها کسی منکر آن نشود.^۳ به عبارت دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله با در نظر گرفتن امر زعامت سیاسی جامعه مسلمانان، حمایت فکری و عملی حاضرین در غدیر از امام علی علیه السلام را مدنظر داشته است؛ چنان که شیخ مفید در *الارشاد* می نویسد:

خدا هم می دانست هرگاه مردم از غدیر بگذرند، بسیاری از آنها پراکنده شده، به شهرها و روستاها و خیمه های خود رهسپار می شوند. خداوند می خواست تا همه مردم از هر کجا که هستند، از ولایت علی علیه السلام باخبر شوند و نص بر خلافت او را بشنوند؛ لذا برای تأکید حجت خود این آیه ۶۷ سوره مائده را نازل کرد.^۴ خدای متعال در این آیه شریفه تبلیغ ولایتی علی علیه السلام را شدیداً واجب فرموده و پیامبرش را از تأخیر آن تخویف نموده و دفع آزار مردم را خود ضمانت کرده است.^۵

براساس اتمام حجت و اعلام ولایت علی علیه السلام به امر امامت و زعامت سیاسی، برخی خواص و

۱. مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، ج ۲، ص ۸۸۶؛ ابی داود، *سنن ابی داود*، ج ۲، ص ۱۸۲؛ احمد بن حنبل، *مسند*، ج ۳،

ص ۳۰؛ دارمی، *سنن دارمی*، ج ۲، ص ۴۵؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۴۷۴.

۲. ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۳، ص ۱۴۳.

۳. ابن جبر، *نهج الایمان*، ص ۱۲۲.

۴. يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.

۵. مفید، *الارشاد*، ج ۱، ص ۱۷۵.

بزرگان مدینه علاوه بر نقل حدیث غدیر، به مخالفت با خلفا در غصب حق علی علیه السلام پرداختند؛ چنان که زید بن ارقم پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از یاران و طرفداران خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود؛^۱ اما ایشان با آن سوابق درخشان، هنگامی که امام علی علیه السلام در دوران خلافتش از اصحاب خواست تا به صدور حدیث غدیر گواهی دهند، خودداری ورزید. وی بعدها ماجرا را چنین نقل می‌کند: «علی علیه السلام در مسجد به مردم قسم داد: شما را به خدا چه کسی از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده که فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه؛ اللهم وال من والاه وعاد من عاداه.» دوازده نفر از رزمندگان جنگ بدر برخاستند و به این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی دادند. من هم از کسانی بودم که این سخن را شنیده بودم، ولی آن را کتمان کردم، و از بعد آن، همواره افسوس می‌خوردم و از انکار خود، استغفار می‌کردم.»^۲ براء بن عازب نیز از کسانی بود که در روزهای اولیه رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، خبر سقیفه را به بنی‌هاشم رسانید و از حامیان علی علیه السلام به حساب می‌آمد و از بیعت با ابوبکر خودداری کرد. وی در دوران حکومت علی علیه السلام از حمایت معنوی آن حضرت دست شست. همچنین وی وقتی که اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در کوفه به صدور حدیث غدیر از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امیرمؤمنان علیه السلام گواهی دادند، از گواهی خودداری ورزید؛ درحالی که شخصاً در روز غدیر حضور داشت و حدیث غدیر را روایت کرده بود.^۳

روایات جمعیت غدیر خم

با توجه به شواهد تاریخی پیش‌گفته مبنی بر زیادی جمعیت حاضر در غدیر خم، به سراغ بررسی روایات موجود درباره میزان جمعیت غدیر خم رفته و به بررسی و تحلیل آن می‌پردازیم.

۱. هزار و سیصد نفر

ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ ق) در کتاب *مناقب آل ابی طالب*، به نقل از امام باقر علیه السلام می‌نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر جمله «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» را در حضور ۱۳۰۰ نفر مطرح کرده است.^۴ مجلسی نیز این روایت را آورده است.^۵ در تفسیر فرات کوفی (م. ۳۵۲ ق) نیز روایتی از عمار چنین

۱. طبرسی، *احتجاج*، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲. مفید، *الارشاد*، ج ۱، ص ۳۵۲؛ ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۴، ص ۷۴.

۳. احمد بن حنبل، *مسند*، ج ۴، ص ۲۸۱؛ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۱، ص ۲۴۷؛ قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۱، ص ۹۷.

۴. فی روایت عن الباقر علیه السلام قال: لما قال النبي صلی الله علیه و آله يوم غدیر خم بین الف و ثلاثمائة رجل من کنت مولاه فهذا علی مولاه ... (ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۲، ص ۲۲۹)

۵. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۳۷، ص ۱۵۸.

نقل شده است: «در مجلس ابن عباس بودیم و او سخنرانی می کرد که ابوذر بلند شد و گفت: ای مردم! آیا می دانید که پیامبر ﷺ فرمود راست گوتر از ابوذر نیست؟ همه گفتند: آری. ابوذر گفت: پس بدانید که پیامبر ﷺ در روز غدیر که ۱۳۰۰ مرد بودیم، فرمود: هر کس من مولای اویم، پس علی مولای اوست؛ خدایا هر که علی را یاری کند، یاری اش کن و هر که دشمنی کند، دشمنی اش کن. در این هنگام مردی بلند شد و گفت: مبارک باد بر تو ای پسر ابی طالب.»^۱

نقد و بررسی

روایت ابن شهر آشوب از امام باقر ﷺ، روایتی مرسل است که برای آن، سلسله سند ذکر نشده است. روایت دوم نیز خبری است که تنها در تفسیر فرات کوفی آمده است و سند آن به امام معصوم نمی رسد. در مجموع می توان گفت علاوه بر ضعف سند این دو روایت و عدم شهرت نسبت به اقوال دیگر، با توجه به فراخوانی رسول خدا ﷺ از مردم برای حضور در سفر معنوی حج، حضور جمعیت مدینه و اطراف آن و تعداد جمعیت سپاه اسلام در آن زمان و ملحق شدن یاران امام علی ﷺ که از یمن به مکه آمده بودند، این قول قابل پذیرش نیست. نیز قابل ذکر است که روایت اول در منابع کهن ذکر نشده و روایت دوم دارای اضطراب در محتوا می باشد. در این روایت، ابوذر برای اثبات حقانیت سخنش ابتدا به اثبات صادق بودن خود می پردازد و بعد به بیان تعداد جمعیت می پردازد؛ حال آنکه دفاع از خود زمانی صحیح است که مورد اتهام واقع شده باشد و در اینجا اتهامی وجود ندارد. علاوه بر این، باید افزود که روایت اول به نقل از امام باقر ﷺ می باشد و روایت دوم به نقل از عمار؛ در صورتی که طبق قاعده باید امام باقر ﷺ تعداد جمعیت را از عمار و سخنان ابوذر نقل کند، اما ایشان هیچ کدام از این دو راوی را در استنادش نیاورده است.^۲

۲. ده هزار نفر

در گزارشی دیگر، تعداد جمعیت غدیر ده هزار نفر گزارش شده است. عیاشی (م. ۳۲۰ ق) در تفسیر،

۱. عن عمار بن یاسر قال: كنت عند ابي ذر الغفاري، في مجلس ابن عباس و عليه فسطاط و هو يحدث اذ قام ابوذر حتى ضرب بيده الى عمود فسطاط ثم قال: ايها الناس! من عرفني فقد عرفني و من لم يعرفني فقد انبأته باسمي انا جندب بن جنادة ابوذر الغفاري سألتكم بحق الله و حق رسوله اسمعتم من رسول الله ﷺ و هو يقول: ما اقلت الغبراء و لا اظلت الخضراء ذا لهجة اصدق من ابي ذر؟ قالو: اللهم نعم. قال: فتعلمون ايها الناس ان رسول الله ﷺ جمعنا يوم غدیر خم الف و ثلاثمائة رجل يقول: اللهم من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله. فقام رجل فقال: يخ يخ يابن ابي طالب ... (فرات کوفی، تفسیر، ص ۵۱۵)

۲. در گزارش ابن شهر آشوب ابتدا به جریان محبت و دشمنی و در پایان به جمله «من كنت مولاه ...» و در گزارش عمار ابتدا به جمله «من كنت مولاه ...» و بعد به جریان محبت و دشمنی با امام علی ﷺ اشاره شده است.

ذیل آیه ۶۷ سوره مائده از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: من تعجب می‌کنم از اینکه شخص با آوردن دو شاهد حقش را می‌گیرد، امام علی علیه السلام با ده‌هزار شاهد حقش ضایع شد. امام در ادامه فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه خارج شد، درحالی که پنج‌هزار نفر از مدینه همراه وی بودند و پنج‌هزار نفر هم از مکه پیامبر صلی الله علیه و آله را مشایعت کردند.^۱

نقد و بررسی

این روایت مرسل است و در سند آن تنها عمر بن یزید قرار دارد. علاوه بر این، اشکالات دیگری بر این گزارش وارد است. در این روایت به حضور پنج‌هزار نفر از مدینه اشاره شده و به حضور مردم اطراف و اکناف آن و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به حضور آنان برای حج اشاره‌ای نشده است. در ادامه روایت، به حضور پنج‌هزار نفر از مردم مکه نیز اشاره شده است؛ درحالی که در گزارش جمعیت هزاروسیصد نفر به این موضوع اشاره نشده بود. نیز قابل ذکر است که اولاً هیچ امری از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله مبنی بر لزوم مشایعت مردم مکه در منابع ثبت نشده است و دلیل عدم حضور آنان، امر الهی به حضور حاجیان در مکان غدیر است که پیامبر صلی الله علیه و آله حجاج جلورفته را امر به بازگشت کرد و منتظر حجاج عقب‌مانده شد. پس امر اعلام ولایت در مکان غدیر، ناگهانی بوده است.

ثانیاً، فاصله مکه تا جحفه زیاد است و بر فرض که مردم قصد بدرقه رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشته‌اند، مشایعت کردن تا حدود ۱۸۰ کیلومتر برای آنان بسیار بعید است؛ نیز اگر قرار باشد جمعیتی را به این مقدار اضافه کنیم، باید جمعیت همراه امام علی علیه السلام را که از یمن به حج آمده بودند و قصد بازگشت به مدینه داشتند را یادآوری می‌کرد؛ حال آنکه هیچ اشاره‌ای به این جمعیت نشده است و این برای یک راوی که جمعیت دقیق مکه و مدینه را ثبت کرده و به این امر اشاره نکرده است، اشکال بزرگی است.

شیخ حر عاملی نیز در روایتی قول ده‌هزار نفر را آورده، اما حدیث را چنین شرح می‌کند: چه بسا این ده‌هزار نفر همه از مدینه بوده‌اند؛^۲ یعنی ایشان هم جمعیت ده‌هزار نفری غدیر را نمی‌پذیرد؛ بلکه جمعیت مردم مدینه را این مقدار حدس زده است. بنابراین می‌توان گفت این روایت با برطرف شدن

۱. عن عمر بن یزید قال: قال أبو عبد الله صلی الله علیه و آله ابتداء منه العجب یا ابا حفص لما لقی علی بن ابي طالب علیه السلام، أنه كان له عشرة آلاف شاهد لم يقدر علی أخذ حقه، و الرجل يأخذ حقه بشاهدين، إن رسول الله خرج من المدينة حاجا و معه خمسة آلاف، و رجع من مكة و قد شيعه خمسة آلاف من أهل مكة، فلما انتهى إلى الجحفه نزل جبرئيل بولاية علي ... (ر.ک به: عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۲)

۲. عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ابْتِدَاءً مِنْهُ الْعَجَبُ لِمَا لَقِيَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام أَنَّهُ كَانَ لَهُ عَشْرَةُ أَلْفٍ شَاهِدٍ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيَّ أَخْذِ حَقِّهِ وَ الرَّجُلُ يَأْخُذُ حَقَّهُ بِشَاهِدَيْنِ، أَقُولُ لَعَلَّ الْعَشْرَةَ أَلْفٍ كَانُوا حَاضِرِينَ فِي الْمَدِينَةِ وَ الْبَاقُونَ كَانُوا تَفَرَّقُوا فِي الْبُلْدَانِ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۳۸)

ضعف سند و محتوای آن، تنها می‌تواند جمعیت اهل مدینه را که در غدیر حاضرند و یا با پیامبر ﷺ از مدینه خارج شده‌اند، ثابت کند.

خبر عیاشی از حیث زمانی، مقدم بر خبر فرات کوفی و ابن شهر آشوب است؛ بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به نقل خبر جمعیت غدیر به مقدار ۱۳۰۰ نفر در این دو منبع متأخر، آنان باید خبر ده‌هزار نفر را از عیاشی دیده و یا شنیده باشند و به نقل آن نیز اهتمام می‌ورزیدند، یا اینکه در خوش‌بینانه‌ترین حالت بگوییم آنان نیز این قول عیاشی را قبول نداشته و از این رو به نقل آن اهتمام نورزیده‌اند. بنابراین با توجه به عدم شهرت این خبر و مرسل بودن آن، ذکری از این خبر در دیگر منابع به میان نیامده است.

۳. دوازده‌هزار نفر

عیاشی در روایت دیگری ذیل آیه ۵۵ سوره مائده به نقل از صفوان جمال از امام صادق علیه السلام، تعداد جمعیت حاضر در غدیر را دوازده‌هزار نفر نقل می‌کند. امام علیه السلام در این روایت فرمودند: با آنکه جمعیت حاضر در غدیر دوازده‌هزار نفر بودند، ولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام نتوانست حق خود را بگیرد؛ درحالی که یک شخص با دو شاهد می‌تواند حق خود را پس بگیرد.^۱

نقد و بررسی

ضمن اینکه این روایت مرسله است، محتوای آن نیز با محتوای روایت ده‌هزار نفر یکی است؛ اما در اینجا اشاره به جمعیت دوازده‌هزار نفر در روز غدیر شده است. نکته دیگر آنکه، این روایت به نقل از صفوان جمال است و از عمر بن یزید نقل نشده است. از این جهت روشن می‌شود که اختلاف هم در محتوا و هم در سند وجود دارد. بنابراین با اختلاف در تعداد جمعیت مواجه هستیم. در این اختلاف باید یکی از دو گزارش را با کمک قرائن یا وجه جمعی پذیرفت؛ اما هیچ قرینه و وجه جمعی نمی‌توان یافت. از این رو می‌توان گفت ایراد گزارش قبلی در اینجا نیز وارد است.

۴. هفده‌هزار نفر

سبزواری در کتاب *جامع الاخبار* بنا بر نقلی، جمعیت حاضر در غدیر را هفده‌هزار نفر دانسته است. وی می‌نویسد: «به نقل از محمد بن سنان از زراره که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که

۱. عن صفوان الجمال قال قال أبو عبدالله، لقد حضر الغدير اثناعشر ألف رجل يشهدون لعلي بن أبي طالب عليه السلام، فما قدر علي أخذ حقه، وإن أحدكم يكون له المال وله شاهدان فيأخذ حقه. (عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۹؛ نیز ر.ک به: مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۳۹)

رسول خدا ﷺ از مدینه به سمت مکه برای حجة الوداع خارج شد و تصمیم به بازگشت داشت، و در خبر دیگری، هنگام خروج از مکه دوازده هزار نفر از یمن و پنج هزار از مردم مدینه وی را همراهی می‌کردند.^۱

نقد و بررسی

اولین نکته قابل توجه در نقد این روایت، بیان تردید موجود در محتوای روایت است. در این روایت، محدث ابتدا تصمیم دارد مقدار جمعیت همراه رسول خدا ﷺ از مدینه به مکه را نقل کند؛ اما یک‌دفعه بدون ذکر جمعیت، به نقل خبر دیگری در همین روایت می‌پردازد که جمعیت خارج شده از مکه به سمت غدیر را دوازده هزار نفر، آن هم از یمن می‌داند؛ در حالی که در این گزارش هیچ اشاره‌ای به دستور پیامبر ﷺ بر حضور آنان مبنی بر همراهی ایشان در غدیر وجود ندارد. نیز باید افزود، چگونه ممکن است در امری که رسول خدا ﷺ در انجام آن تردید دارد و از خداوند طلب اطمینان می‌کند، امر به حرکت مردم یمن برای حضور در غدیر کرده باشد؛ چنان که طبرسی (م. ۵۴۸ ق) از قول پیامبر ﷺ در *اعلام الوری* می‌نویسد: «امت من هنوز خوی جاهلیت دارند و ممکن است در اثر این قضیه مخالفت‌هایی بشود. جبرئیل گفت: این موضوع باید انجام یابد و هرگز تأخیر نشود.»^۲

علاوه بر این نقد، حضور یمنی‌ها در سفر برگشت نیز قابل نقد است؛ زیرا یمنی‌ها می‌بایست به طرف جنوب مکه حرکت کنند تا به یمن برسند. بر فرض پذیرش حضور یمنی‌ها در غدیر، تنها می‌توان جمعیت همراه امام علی ﷺ از یمن را پذیرفت؛ در صورت پذیرش این روایت، نهایت مطلبی را که می‌توان پذیرفت، حضور هفده هزار نفر در غدیر است و این روایت با روایت ده و دوازده هزار نفر تعارض دارد. نیز قابل ذکر است که این روایت در تعارض با روایات دیگری است که بیش از این مقدار جمعیت نقل کرده‌اند؛ چنان که ابن کثیر در *البدایة و النهایة* و برخی دیگر از منابع اهل سنت، جمعیت حاضر در حج، از زنان و مردان و صحابه همراه رسول خدا ﷺ را چهل هزار نفر نقل کرده‌اند،^۳ می‌توان گفت جمعیت غدیر خم قابل توجه بوده و اعداد زیر چهل هزار قابل پذیرش نیست.

۱. عن محمد بن سنان عن زرارة بن اعین قال سمعت الصادق جعفر بن محمد ﷺ قال: لما خرج رسول الله ﷺ الى مكة في حجة الوداع فلما انصرف منها، و في خير آخر و قد شيعه من مكة اثني عشر الف رجل من اليمن و خمسة آلاف رجل من المدينة ... (سبزواری، جامع الاخبار، ص ۱۰؛ نیز بنگرید به: مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۶۵)

۲. طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳. ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۱۳۷: «و قد كان معه ﷺ في حجة الوداع قريب من أربعين ألفا»؛ انصاری، المقنع فی علوم الحدیث، ج ۲، ص ۴۹۷؛ حضرمی، سیرة النبی المختار، ج ۱، ص ۷۷: «و في السنة العاشرة حج حجة الوداع و حج بأزواجه کلهن و بخلق كثير فحضرها من الصحابة أربعون ألفا رضي الله عنهم.»

۵. شصت هزار نفر

ابن جبر (م. قرن ۷ ق) در قسمت شاهدان روز غدیر در کتاب *نهج الایمان* می‌نویسد: «روایت شده است که همانا در روز غدیر خم برای امام علی علیه السلام شصت هزار شاهد وجود داشت. برخی نیز گفته‌اند هشتادوشش هزار نفر حضور داشت.»^۱ مردم از مکان‌ها و جاهای مختلف در این واقعه حضور داشتند. وی همچنین معتقد است هدف رسول خدا صلی الله علیه و آله از اعلان و انتشار حدیث غدیر در میان جمعیت زیاد این بود تا بعدها کسی منکر آن نشود.^۲

نقد و بررسی

ابن جبر بدون نقل گزارش‌های پیشین که جمعیت غدیر را کمتر نقل کرده‌اند، دو نقل درباره جمعیت غدیر خم بدون ذکر سند نقل می‌کند. وی در این گزارش، هیچ‌کدام از اخبار را از زبان معصوم نقل نمی‌کند؛ بلکه تنها به نقل خبر بدون سند اکتفا می‌کند. به عبارت دیگر، این روایت قول قیل و مقطوع است. محقق کتاب *نهج الایمان* می‌نویسد: وی از کسانی است که روایات کتاب *مناقب آل ابی طالب* ابن شهر آشوب را با یک واسطه نقل کرده است.^۳ بنابراین، به نظر می‌رسد ایشان نیز جمعیت ۱۳۰۰ نفری را که ابن شهر آشوب نقل کرده، نپذیرفته است؛ اما در این باره که مستند سخن او چیست، هیچ سندی ذکر نکرده است.

۶. هفتاد هزار نفر

در روایت دیگری تعداد جمعیت حاضر در غدیر خم به نقل از امام باقر علیه السلام هفتاد هزار نفر نقل شده است. فتال نیشابوری و طبرسی این روایت را با ذکر تمامی اسناد چنین نقل کرده‌اند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه هفتاد هزار نفر از اهالی مدینه و اطراف آن عازم مکه شده و از مدینه خارج شدند - مانند همان تعداد که حضرت موسی از آنان برای هارون بیعت گرفت و عهدشکنی کردند و در آخر از گاو سامری تبعیت نمودند - و همه جماعت مسلمانان در طول این سفر قدم به قدم از تمام اعمال آن حضرت پیروی می‌کردند.»^۴ ابوالفرج حلبی شافعی نیز در گزارشی، یکی از اقوال موجود درباره جمعیت همراه

۱. و روی ان یوم الغدیر لعلي بن ابی طالب ستون الف شاهد. (ابن جبر، *نهج الایمان*، ص ۱۲۲)

۲. همان.

۳. همان، ص ۸.

۴. ... حج مع رسول الله صلی الله علیه و آله من أهل المدينة و أهل الأطراف و الأعراب سبعین ألف إنسان أو یزیدون علی نحو عدد أصحاب موسی السبعین ألف الذین أخذ علیهم بیعة هارون فنکنوا و اتبعوا العجل و السامری و کذلک أخذ رسول الله صلی الله علیه و آله بالبیعة لعلي بالخلافة علی عدد أصحاب موسی فنکنوا بالبیعة و اتبعوا العجل و السامری سنة بسنة و مثلاً بمنزل ... (فتال نیشابوری، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظی*، ص ۸۹؛ طبرسی، *الاجتجاج*، ج ۱، ص ۵۶)

پیامبر ﷺ در آخرین حج را هفتاد هزار نقل کرده و می‌نویسد: این جمعیت با توجه به منع حضور برخی - به دلیل بیماری وبا - از حضور در حج بود.^۱

نقد و بررسی

طبرسی در الاحتجاج از جمله روایان غدیر است. کتاب الاحتجاج از کتب معتبری است که علما به آن اعتماد دارند و روایات آن را نقل می‌کنند. تنها اشکالی که متوجه روایات کتاب شده آن است که بیشتر روایات آن بدون ذکر سند نقل شده است. وی با اعتماد به سند روایات به نقل آنها نپرداخته است؛ اما عبارات‌های طبرسی نشان‌دهنده آن است که برخی روایات کتاب، سند صحیح و موثق دارد و در همان جا به ذکر طبقات بالای سند یا طبقات آخر آن اکتفا می‌کند. او در برخی موارد فقط به وصف کلی سند می‌پردازد. برای مثال، در نقل مناظره‌ای می‌گوید: «با سند صحیح خود از مردانی که هریک موثق و قابل اعتمادند.»^۲ گاهی وی به جهت اهمیت موضوع، به ذکر سند نیز می‌پردازد؛ چنان‌که در حدیث غدیر، تمامی روایان را ذکر کرده است.

در این روایت به حرکت هفتاد هزار نفر از مردم مدینه و اطراف آن به مکه و حضور در غدیر خم اشاره شده است. این روایت، مؤید هم دارد که از جمله آن می‌توان به دعوت پیامبر ﷺ از مردم اطراف و اکناف مدینه برای حضور در آخرین حج و شوق و اشتیاق مردم برای حضور در رکاب رسول خدا ﷺ و حضور زنان و کودکان اشاره کرد.^۳ علاوه بر آن، شایان ذکر است که برخی علمای شیعه نیز با پذیرش این خبر، به نقل آن اهتمام ورزیده‌اند و در صحت آن تردید نکرده‌اند.^۴ از جمله اسانید این روایت، محمد بن موسی همدانی است که بنابر گفته نجاشی، کتابی در رد غلو و غالیان دارد؛^۵ همچنین طیالسی از اصحاب امامی و ثقة شیعه است که شیخ طوسی در رجال او را از اصحاب امام کاظم ﷺ شمرده

۱. حلبی شافعی، السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۳۶۳.

۲. «باسناد الصّحیح عن رجاله، ثقة عن ثقة»؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۷۰. در تصحیح جدید کتاب الاحتجاج با تعلیقه آیت‌الله سبحانی، بر این موضوع تأکید شده که افزون بر آنکه نحوه برخورد با روایات این کتاب نباید همانند کتاب‌های فقهی دیگر باشد، منابع و مصادر روایات این کتاب در کتاب‌های تاریخی دیگر و غیر آنها وجود دارد؛ بنابراین در پذیرش مطالب آن باید نگاهی مثبت روا داشت. (ر.ک به: طبرسی، الاحتجاج، تصحیح بهادری با نظارت آیت‌الله سبحانی)

۳. فَأَمَرَ الْمُؤَدِّبِينَ أَنْ يُؤَدِّبُوا بِأَعْلَىٰ أَسْوَأَتِهِمْ بِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَخُجُّ فِي عَامِهِ هَذَا فَعَلِمَ بِهِ مَنْ حَضَرَ الْمَدِينَةَ وَأَهْلُ الْأَعْرَابِ وَاجْتَمَعُوا لِحَجِّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَإِنَّمَا كَانُوا تَابِعِينَ يَنْظُرُونَ مَا يُؤْمَرُونَ وَيَتَّبِعُونَ أَوْ يَصْنَعُ شَيْئاً فَيَصْنَعُونَهُ. (کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۴۵)

۴. ر.ک به: بحرانی، کشف المهم فی طریق خبر غدیر خم، ص ۱۹۱؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۵۴.

۵. نجاشی، رجال، ص ۳۳۸.

است؛^۱ نیز سیف بن عمیره که نجاشی نیز او را از ثقات شیعه می‌داند.^۲ سند اصلی این روایت به علقمة بن محمد حضرمی می‌رسد که شیخ طوسی او را از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام شمرده است.^۳ وی از کسانی بوده که عقاید زیدیه درباره امامت را قبول نداشته است.^۴ از این رو برخی از رجالیون بر همین مبنا او را امامی و دارای اعتقاد صحیح می‌دانند.^۵ بنابراین می‌توان گفت با توجه به داشتن سند و دیگر مؤیدات که نقل گردید، حضور این تعداد از جمعیت در غدیر طبیعی به نظر می‌رسد.

۷. هشتادوشش هزار نفر

ابن جبر در نقل دیگری در کتاب *نهج‌الایمان*، علاوه بر بیان حضور شصت هزار نفر در غدیر خم، می‌نویسد: «در گزارش دیگری گفته شده هشتادوشش هزار شاهد در روز غدیر بوده است و این به درستی نشان می‌دهد که جمعیت حاضر از راه‌های دور و نزدیک بوده‌اند.»^۶

نقد و بررسی

ابن جبر با نقل قول شصت هزار، روایت کمتر از آن را نپذیرفته است. به عبارت دیگر، وی با پذیرفتن کثرت جمعیت، حتی قولی را نقل می‌کند که اثبات کند جمعیت بیشتر از آن است؛ از این رو قول هشتادوشش هزار نفر را نقل کرده است. اما این قول نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا اولاً، سندی برای آن نقل نشده است؛ ثانیاً با اقوال دیگر در تعارض است؛ ثالثاً این قول شهرت ندارد. اما می‌توان گفت او با نقل این گزارش، عملاً کثرت جمعیت را قبول دارد؛ زیرا اگر قبول نداشت، به نقد آن می‌پرداخت.

۸. نودهزار نفر

عبدالملک عاصمی شافعی، از نویسندگان اهل سنت می‌نویسد: پیامبر برای حجة‌الوداع از مدینه خارج شد، درحالی که نودهزار یا صدوچهارده هزار نفر همراه وی بودند.^۷

۱. طوسی، *رجال*، ص ۳۴۳.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۱۸۹.

۳. طوسی، *رجال*، ص ۱۴۰ و ۲۶۲.

۴. طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۷۱۶.

۵. بروجردی، *طرائف المقال*، ج ۱، ص ۵۲۷.

۶. *قیل سنة و ثمانون الف شاهد و معلوم ان اولئك من الاماكن المنفرقة و الامصار المتباعدة.* (ابن جبر، *نهج‌الایمان*، ص ۱۲۲)

۷. عاصمی مکی، *سمط النجوم العوالی*، ج ۲، ص ۳۰۵.

حلبی شافعی در *سيرة الحلبيہ*^۱ و علامه امینی در *الغدیر* نیز به حضور این مقدار از جمعیت در غدیرخم اشاره می‌کنند.^۲

نقد و بررسی

اگرچه این گزارش قول قبیل بوده و سندی برای آن نقل نشده است، اما مؤیداتی چون حضور مردم مدینه و اطراف آن را که خود راوی به آن اشاره کرده، دارد. می‌توان گفت با توجه به کثرت جمعیت و اعتبار گزارش هفتاد هزار نفر و شهرت قول نود هزار نفر برای اهل سنت، و قول علامه امینی که تحقیقات زیادی را در *الغدیر* انجام داده است، تصحیف رخ داده باشد؛ به این صورت که عبارت سبعین و تسعين دارای سبک نوشتاری یکسانی هستند و در نقطه‌گذاری، عبارت و معنا متفاوت می‌شود.

۹. یکصد و چهارده هزار نفر

قول دیگر از عاصمی شافعی - چنان که گفته شد - یکصد و چهارده هزار نفر است.^۳ علامه امینی نیز در *الغدیر* قول دیگر را همین می‌داند.^۴ حلبی شافعی نیز این قول را ذکر کرده است.^۵

نقد و بررسی

اگرچه در این گزارش نیز ذکری از سند به میان نیامده است، اما به ذکر جمعیت همراه پیامبر ﷺ از مدینه تأکید دارد. این نویسندگان در میان تمامی اقوال جمعیت حاضر در غدیر، این چند قول را نقل کرده‌اند. می‌توان گفت دلیل پذیرش این گزارش از سوی آنان، توجه رسول خدا ﷺ به حضور حداکثری مردم است؛ زیرا این نویسندگان اشاره می‌کنند که حتی با وجود نیامدن برخی، تعداد زیادی به حج رفتند. بنابراین به نظر آنان، این قول قابل ذکر و مورد توجه است؛ زیرا اگر این تعداد جمعیت حضور نداشت، یقیناً اهل سنت نسبت به بیان آن اهتمام می‌ورزیدند. نیز شایان ذکر است این روایت با روایاتی که تعداد جمعیت را کم ذکر می‌کند، در تعارض است؛ اما مؤیداتی همانند هفتاد هزار و نود هزار را به همراه دارد.

۱. كان معه جموع لا يعلمها إلا الله تعالى، قيل كانوا أربعين ألفاً، وقيل كانوا سبعين ألفاً وقيل كانوا تسعين ألفاً وقيل كانوا مائة ألف وأربعة عشر ألفاً وقيل عشرين ألفاً، وقيل كانوا أكثر من ذلك. (حلبی شافعی، *السيرة الحلبيّة*، ج ۳، ص ۳۶۳)

۲. امینی، *الغدیر*، ج ۱، ص ۳۲.

۳. عاصمی مکی، *سمط النجوم العوالي*، ج ۲، ص ۳۰۵.

۴. وقد يقال: خرج معه تسعون ألفاً، ويقال: مائة ألفٍ وأربعة عشر ألفاً، وقيل: مائة ألفٍ وعشرون ألفاً، وقيل: مائة ألفٍ وأربعة وعشرون ألفاً، ويقال: أكثر من ذلك، وهذه عدّةٌ من خرج معه، وأمّا الذين حجّوا معه فأكثر من ذلك، كالمقيمین بمكة، والذين أتوا من اليمن مع عليٍّ أمير المؤمنين و أبي موسى. (امینی، *الغدیر*، ج ۱، ص ۳۲)

۵. حلبی شافعی، *السيرة الحلبيّة*، ج ۳، ص ۳۶۳.

۱۰. یکصدوبیست هزار نفر

گزارش دیگر درباره جمعیت غدیرخم، حضور جمعیت یکصدوبیست هزار نفر است. از جمله قائلان این تعداد، ابن جوزی در تذکرة الخواص^۱ و علامه امینی در الغدیر^۲ هستند.

نقد و بررسی

این گزارش نیز بدون ذکر سند و منبع نقل شده است. با توجه به تأکید این منبع به حضور جمعی از صحابه، می‌توان گفت جمعیت قابل توجهی در این حج حضور داشته‌اند. اما به نظر می‌رسد این خبر از شهرت برخوردار نیست؛ علاوه بر این، در هیچ‌یک از منابع شیعی کهن به آن اشاره نشده است.

نتیجه

غدیرخم و اعلام ولایت امام علی علیه السلام به عنوان امری الهی از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله، خبری متواتر است. هدف عمده رسول خدا صلی الله علیه و آله از آخرین حج، اتمام و اکمال دین با بیان امر امامت بود. لازمه این امر، حضور جمعیت قابل توجهی در آن است تا امر خداوند ابلاغ گردد؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله تصمیم داشت با این کار، علاوه بر اعلام خبر غدیر به همگان و پخش شدن آن در تمامی نقاط سرزمین اسلامی، حجت را بر همگان تمام کند؛ چنان‌که بعدها امام علی علیه السلام در کوفه برای واقعه غدیر از مردم شهادت خواست. بنابراین به نظر می‌رسد جمعیت قابل توجهی در این سفر رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراهی کرده باشند؛ زیرا وی منتظر ماند تا همگان جمع شوند، سپس به ابلاغ این امر مهم پرداخت. اگر مقدار جمعیت کم بود و قرار بر این بود تا عده کمی از جریان غدیرخم باخبر شوند، نیازی نبود رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را به زحمت بیندازد و همگان را در گرمای غدیر نگه دارد؛ بلکه این امر را در مدینه ابلاغ می‌کرد. پس نتیجه آنکه، از اطراف مدینه هم جمعیتی حضور داشته‌اند تا این خبر به دیگران نیز برسد.

با محوریت دولت نبوی، فراگیری اسلام، نابودی شرک و قدرت قریش، گرایش مردم به اسلام و حضور در مدینه و یا ارتباط با مرکز قدرت، باعث کثرت جمعیت نومسلمانان شده بود؛ بنابراین طبیعی می‌نماید که جمعیت مسلمانان از آمار اولیه حاضرین در جهادها بیشتر باشد. حضور زنان، کودکان و کهن‌سالان در غدیرخم نیز از یک واقعیت تاریخی برخوردار است که خود مؤیدی برای اثبات کثرت جمعیت حاضر در غدیرخم است؛ زیرا در این سفر ممنوعیتی برای حضور آنان وجود نداشت. با سنجش روایاتی که جمعیت حاضر در غدیر را کم نقل کرده‌اند، می‌توان گفت این اخبار بدون در نظر

۱. و جمع الصحابة و هم كانوا مئة و عشرين الفا. (سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۲۶۶)

۲. امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۳۲.

گرفتن جمعیت آماری اسلام و مردم مدینه نقل شده و علاوه بر آنکه ضعف سند و محتوا دارند، از حجیت عقلی هم برخوردار نیستند.

نکته قابل توجه دیگر درباره جمعیت غدیر اینکه، تعداد کسانی که با رسول خدا ﷺ از مدینه عازم مکه بودند باید کمتر از جمعیت غدیر باشد؛ زیرا هنگام حضور رسول خدا ﷺ در مکه، امام علی علیه السلام و همراهان ایشان که از یمن عازم حج بودند، در بازگشت همراه کاروان رسول خدا ﷺ به سوی مدینه حرکت کردند. نیز کاروان‌هایی که در بین راه از رسول خدا ﷺ جدا می‌شوند، مورد حساب قرار نگرفته‌اند؛ از این رو تعداد جمعیت غدیر بیشتر از تعداد جمعیت عازم از مدینه است. نیز باید افزود، اگرچه امری بر حضور مردم مکه و یمن برای حضور در غدیر وجود ندارد، اما بعید نیست که برخی خواسته باشند با توجه به قدرت معنوی و سیاسی رسول خدا ﷺ و شکسته شدن ابهت مشرکان، در این سفر به مدینه مهاجرت کنند. بنابراین نمی‌توان این جمعیت را نادیده گرفت.

اکنون با توجه به همه شواهد و مدارک موجود درباره جمعیت غدیر خم می‌توان گفت گزارش هفتاد هزار و نود هزار از شواهد و قراین زیادی برخوردار بوده و به واقعیت نزدیک‌تر هستند. در هر دو گزارش به حضور مردم مدینه و اطراف آن اشاره شده است؛ اگرچه به جمعیت همراه امام علی علیه السلام که از یمن عازم حج بودند و به مدینه بازگشتند، اشاره‌ای نشده است. بنابراین احتمال می‌رود که بین هفتاد هزار و نود هزار تصحیفی رخ داده باشد؛ یعنی جابه‌جایی نقطه صورت گرفته باشد. در این صورت، معنا عوض می‌شود. در صورت عدم پذیرش تصحیف، گزارش هفتاد هزار نفر با توجه به قوت سند و محتوا، از اعتبار بیشتری برخوردار است.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌الأثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن محمد الجزری، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن ابی‌الحدید، شرح *نهج‌البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن جبر، زین‌الدین علی بن یوسف، *نهج‌الایمان*، تحقیق سید احمد حسینی، مشهد، مجتمع امام هادی علیه السلام، چ اول، ۱۴۱۸ ق.
۴. ابن جوزی، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ط الأولى، ۱۴۱۲ ق.
۵. ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی، *فتح‌الباری*، بیروت، دار المعرفه، چ دوم، ۱۳۰۰ ق.

- ١٦٦ □ فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ١ و ٢، زمستان ٨٩ و بهار ٩٠، ش ١ و ٢
٦. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *ديوان المبتدأ و الخبر في تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر*، تحقيق خليل شحادة، بيروت، دار الفكر، ط الثانية، ١٤٠٨ ق.
٧. ابن سعد الهاشمي البصري، محمد بن سعد بن منيع، *الطبقات الكبرى*، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، ط الأولى، ١٤١٠ ق.
٨. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ١٣٧٩.
٩. ابن طاووس، سيد علي، *اقبال الاعمال*، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٧.
١٠. ابن كثير دمشقي، أبوالفداء اسماعيل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٧ ق.
١١. ابی داود، سليمان بن الاشعث، *سنن ابی داود*، تصحيح عبدالحميد و محمد محيي الدين، بيروت، دارالفكر، بی تا.
١٢. احمد بن حنبل، *مسند*، بيروت، دار صادر، بی تا.
١٣. امام، سيد جلال، «جمعيت غدیر»، *مجله تاريخ در آينه پژوهش*، ش ١٦، سال چهارم، ش چهارم، زمستان ١٣٨٦.
١٤. اميني، عبدالحسين احمد، *الغدیر*، بيروت، دار الكتاب العربي، چ چهارم، ١٣٩٧ ق.
١٥. انصاری، سراج الدين عمر بن علي بن احمد، *المقنع في علوم الحديث*، تحقيق عبدالله بن يوسف الجديع، عربستان، دار النشر السعوديه، چ اول، ١٤١٣ ق.
١٦. بحراني، سيد هاشم، *كشف المهم في طريق خبر غدیر خم*، بی جا، احیاء تراث سيد هاشم البحراني، بی تا.
١٧. بروجردي، سيد علي، *طرائف المقال*، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چ اول، ١٤١٠ ق.
١٨. بلاذري، احمد بن يحيى، *جمل من انساب الأشراف*، تحقيق سهيل زكار و رياض زرکلي، بيروت، دارالفكر، چاپ اول، ١٤١٧ ق.
١٩. ثقفی کوفی، ابراهيم بن محمد کوفی، *الغارات*، ترجمه عزيز الله عطاردی، تهران، عطارد، ١٣٧٣.
٢٠. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشيعه*، ٣٠ جلدی، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤٠٩ ق.
٢١. حضر می شافعی، محمد بن عمر بحرق، *سيرة النبي المختار*، تحقيق محمد عنان نصوح عزقول، بيروت، دارالحاوي، چ اول، ١٩٩٨ م.
٢٢. حلبی شافعی، علي بن برهان الدين، *السيرة الحلبية في سيرة الأمين المأمون*، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٠ ق.
٢٣. حموی، شهاب الدين ابو عبدالله ياقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بيروت، دار صادر، چ دوم، ١٩٩٥ م.
٢٤. خصيبی، حسين بن حمدان، *الهداية الكبرى*، بيروت، مؤسسه بلاغ، چ چهارم، ١٤١١ ق.
٢٥. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، *سنن دارمی*، دمشق، مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩ ق.

۲۶. الذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، ط الثانية، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. سبزواری، جامع الأخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳.
۲۸. سبط بن جوزی، *تذکرة الخواص تمامی الامة بذکر خصائص الائمة*، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۸۴ / ۱۴۲۶ ق.
۲۹. صدوق، محمد بن علی، *الخصال*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، تصحیح بهادری با نظارت آیت‌الله سبحانی، قم، اسوه، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. _____، *الاحتجاج*، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم، آل‌البیت، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چ پنجم، ۱۳۷۵.
۳۴. طوسی، ابوجعفر، *اختیار معرفة الرجال*، تصحیح و تعلیق میرداماد الأستریادی، قم، بعثت، ۱۴۰۴ ق.
۳۵. عاصمی مکی، عبدالملک بن حسین، *سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی*، تحقیق عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۳۶. عروسی حویزی، علی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چ چهارم، ۱۳۷۰.
۳۷. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۳۸. عینی، بدرالدین، *عمدة القاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۹. فتال نیشابوری، *روضۃ الواعظین و بصیرة المتعظی*، قم، انتشارات رضی، بی تا.
۴۰. فرات کوفی، ابراهیم، *تفسیر*، تحقیق محمد الکاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول، ۱۴۱۰ ق.
۴۱. فلاح‌زاده، محمدحسین، «گزارشی مختصر از وضعیت کنونی محل غدیر»، *فصلنامه علوم حدیث*، سال سوم، ش ۷، بهار ۱۳۷۷.
۴۲. فیض کاشانی، محسن، *تفسیر صافی*، تهران، الصدر، چ دوم، ۱۳۷۴.
۴۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینایع المودة لذوی القربی*، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، دار الأسوة للطباعة والنشر، طبع الأولى، ۱۴۱۶ ق.

- ١٦٨ □ فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ١ و ٢، زمستان ٨٩ و بهار ٩٠، ش ١ و ٢
٤٤. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٧ ق.
٤٥. مجلسی، علامه محمد تقی، *بحار الانوار*، تحقیق محمد باقر بهبودی، بیروت، مؤسسه وفا، چ دوم، ١٤٠٣ ق.
٤٦. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسن، *التنبیه و الإشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل صاوی، قاهره، دارالصاوی، افست قم، مؤسسه نشر الثقافة الاسلامیه، بی تا.
٤٧. مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
٤٨. مغربی، قاضی نعمان، *شرح الاخبار فی فضائل الائمه الأطهار*، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
٤٩. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ١٤١٣ ق.
٥٠. _____، *المقنعه*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ دوم، ١٤١٠ ق.
٥١. _____، *اوائل المقالات*، تحقیق ابراهیم انصاری، بیروت، دارالمفید، چ دوم، ١٤١٤ ق.
٥٢. مقدسی، *البدء و التاريخ*، مصر (بورسعيد)، مکتبه الثقافة الدینیة، بی تا.
٥٣. مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، *إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحضرة و المتاع*، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط الأولى، ١٤٢٠ ق.
٥٤. نجاشی اسدی، احمد بن علی، *رجال نجاشی*، تحقیق سید موسی شبیری، نشر الجامعه المدرسین بقم المشرفه، چ پنجم، ١٤١٦ ق.
٥٥. نووی، محی الدین، *المجموع*، بیروت، دارالفکر، ١٤١٧ ق.
٥٦. نویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب، *نهاية الأرب فی فنون الأدب*، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومیة، چ اول، ١٤٢٣ ق.